یادداشت روز

بی‌خبر از گلایه‌های مردم؟!

«اعتراضی بود، تمام شد. برخی سوءاستفاده کردند، نیروهای امنیتی به خوبی اداره کردند. الان شمای جامعه‌شناس، روانشناس اجتماعی و... باید تحلیل و واکاوی کنید علت اعتراضات را..»

اینها بخشی از سخنانی است که رئیس‌جمهور محترم در جشنواره خوارزمی و درباره اغتشاش دو هفته قبل بیان کرد و بر اساس آن می‌توان نوع و سطح نگاه دکتر روحانی و برخی دولتمردان را به حوادث چند هفته قبل، اعم از مطالبات به حق مردم و نیز اقدامات آشوب‌طلبان (همان آدم‌کش‌هایی که رئیس‌جمهور از اینکه آشغال نامیده شده‌اند ناراحت شده) را بررسی کرد.

۱- در بخش آخر سخنان، رئیس‌جمهور موضوع را به جامعه‌شناس و روانشناس و... ارجاع داده تا علت‌یابی کنند. این اتفاق و ارجاع امر به کارشناس زمانی اتفاق می‌افتد که از علت یک رخداد بی‌اطلاع باشیم. آیا الان موضوع مبهم است و رئیس‌جمهور نمی‌داند مردم به چه چیزی اعتراض دارند!؟ آیا انتظار است که متخصص روانشناسی حکم به اختلال روانی معترضین بدهد!؟ آیا این فقره خیال رئیس‌جمهور را راحت می‌کند و این یقین را برای وی به وجود می‌آورد که همه چیز بر وفق مراد است و چند روانی و مشکل دار، اعتراضاتی کردند که آن هم تمام شد!؟

۲- بی‌تعارف باید گفت ارجاع امر در این مقطع به کارشناسان مذکور، طفره رفتن و حاشیه رفتن و دنبال نخود سیاه فرستادن است. یعنی اینکه رئیس‌جمهوری داریم که در پنجمین سال ریاستش، هنوز نمی‌داند مشکل مردم چیست و حالا هم که به هر زور و ضربی احتمالا به فکر درد مردم افتاده، به جای از خود شروع کردن، آدرس‌اشتباهی می‌دهد!

۳- مناسب نیست بگوییم که ایشان می‌داند مشکل چیست و اقدامی نمی‌کند یا می‌داند و تجاهل می‌کند و برای رفع مسئولیت، موضوع را به کارشناسان ارجاع می‌دهد. پس خوشبینانه باید بگوئیم که رئیس‌جمهور اساسا هیچ اطلاعی ندارد که مردم به چه چیزی معترضند و چرا صدایشان به گلایه و انتقاد بلند شده است! چون دکتر روحانی جایگاه مهمی دارد نمی‌توانیم بگوئیم از مشکلات طاقت فرسای «اقتصادی» خبر دارد اما به جای توبیخ مقامات ارشد بانکی و اقتصادی، به ناروا آدرس مطب «روانشناس» و دفتر «جامعه‌شناس» را می‌دهد! این حرف‌ها را نمی‌توان به رئیس‌جمهور نسبت داد. نمی‌توانیم بگوئیم کارگر فلان کارخانه ۱۰ ماه است حقوق نگرفته و شرمنده زن و بچه‌اش شده، رئیس‌جمهور هم خبر دارد، اما کاری نمی‌کند! نمی‌توانیم بگوئیم سیل و برانگر واردات به دست نور چشمی‌های لانه کرده در کنار برخی مدیران، باعث شده هزاران کارخانه تعطیل و صدها هزار کارگر بیکار شوند و رئیس‌جمهور از همه اینها خبر دارد ولی کاری نمی‌کند! این موضوعات قلب هر انسان معمولی و شریفی را به درد می‌آورد و خواب راحت را از چشم آدمی که فاقد هرگونه مسئولیت اجرایی و قانونی باشد می‌رباید تا چه رسد به رئیس‌جمهوری که همه اختیارات و امکانات را در دست دارد. تا چه رسد به رئیس‌جمهوری که تاریخی‌ترین همراهی قوه‌مقننه را در دست دارد و هر آنچه می‌خواهد در مجلس تصویب می‌شود و هرکه معرفی می‌کند - با هر سابقه و کارنامه‌ای- رای می‌آورد.

۴- با این توضیحات دیگر هیچ راهی برایمان باقی نمی‌ماند جز اینکه بگوئیم ایشان از اوضاع و احوال اقتصادی مردم خبر ندارد. اتفاقا بخت با ما یار است و دست برقضا براساس چندین و چند شاهد و قرینه، می‌توان باور کرد که رئیس‌جمهور از بسیاری موضوعات بی‌خبر است و نمی‌داند در مملکت و حتی اطرافش چه می‌گذرد! شاید کسی اعتراض کند که این توهین به رئیس‌جمهور است ! اما باید گفت کاملا برعکس، اثبات خلاف این امر، قطعا توهین به وی بوده و حتی موجد مسئولیت قانونی برای رئیس‌جمهور می‌شود. مثلا نمی‌توانیم بگوئیم رئیس‌جمهور خبر داشته عده‌ای نورچشمی و وابسته به جان صندوقچه معلمان زحمتکش برای روز پیری و ناتوانی یعنی «صندوق ذخیره فرهنگیان» افتاده و حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان را غارت کرده‌اند! واقعا باید بگوئیم خبر داشته و کاری نکرده!؟ آیا می‌توانیم بگوئیم که رئیس‌جمهور خبر داشته که برادرش چه می‌کرده اما هیچ واکنشی نشان نداده!؟ مگر می‌شود!؟ حالا ممکن است کسی بگوید برادر بوده و نسبتی با رئیس‌جمهور داشته و ممکن است بی‌عملی او منطقی باشد(!) اما می‌توانیم بگوئیم رئیس‌جمهور از برادر آقای معاون اول هم خبر داشته ولی بازهم کاری نکرده!؟ یا مثلا خبر داشته که دختر وزیر سابق آموزش و پرورش مشغول واردات پوشاک به کشور است و همزمان با آن، ده‌ها کارخانه و کارگاه تولیدی تعطیل می‌شده، اما سخنی نمی‌گفته!؟ نمی‌توانیم بگوئیم رئیس‌جمهور از وضع معیشت مردم با خبر است اما هر گزارشی را که به او می‌دهند و مثلا روی آن نوشته رشد اقتصادی شش درصد، تورم ۸ درصد و.. را همینطور بی‌توجه به وضعیتی که از آن خبر دارد، می‌خواند و از اوضاع کشور تعریف می‌کند! اینها منطقی نیست و نباید رئیس‌جمهور کشور را بلاوجه به این امور متهم کرد و اتفاقا خود این بی‌خبری‌ها دلیل بر خوبی رئیس‌جمهور است و اگر کسی تلاش کند که اینها را رد کند، درصدد لکه دار کردن دامن ایشان است.

۵- اما شاید بازهم برای کسی این پرسش پیش بیاید که چرا رئیس‌جمهور نباید از این امور با خبر باشد!؟ این اتفاقات و این نمونه‌های تکان‌دهنده (که می‌توانید چندبرابر مهم‌تر و وسیع‌تر آن را با خود مرور کنید) چیزی نیست که چنین مقامی از آن بی‌خبر باشد، پس چرا چنین است!؟ راز این موضوع را طبیعتا شخص رئیس‌جمهور می‌تواند بر ملا کند، با این حال باز هم قرینه‌ها و نشانه‌هایی، ما را به دلایل این بی‌خبری رهنمون می‌کند. مثلا، همین چند روز پیش، عبدالله ناصری مشاور رئیس‌دولت اصلاحات و از یاران دکتر روحانی درباره شیوه و سبک کاری رئیس‌جمهور سخنان جالبی گفت: «روحانی در مقایسه با همه روسای‌جمهور پیشین، وقتی برای دولت نمی‌گذارد...می‌گویند او از ساعت ۹:۳۰ صبح تا ۱۹ سر کار است! این را تردید ندارم و یکی از اعتراضات و انتقاداتی است که دوستان روحانی به او دارند... ناطق‌نوری در همین زمینه به روحانی اعتراض کرده و گفته؛ من که الان فقط یک حوزه علمیه در لواسان دارم از ساعت ۶:۳۰ صبح آنجا حاضر می‌شوم و شما باید کمی زودتر بروید و به سخن وزرایتان گوش کنید... رئیس‌جمهور حوزه‌های کلیدی کشور را شوخی گرفته است... او به دلیل روحیه‌اش مشورت‌پذیر نیست... روحانی در حوزه اقتصادی موفق عمل نکرد و حوزه اقتصادی دولت بسیار به‌هم ریخته است.»

ملاحظه می‌فرمایید که بی‌خبری از امور مهم کشور در چنین شرایطی تقریبا طبیعی است و نباید به رئیس‌جمهوری با این ساعت کاری خرده گرفت که چرا از چیزی خبر نداری!؟ خب واقعیت این است که فرصت‌ها محدود است و با یکی دو دیدار و گعده و ...، ساعت کاری به پایان می‌رسد و طبیعی است که اخبار تلخ و نارسایی و... هم در چنین فرصت‌های کوتاهی قابل طرح نیست. البته این تنها علامت بی‌خبری نیست. یک علامت دیگر بی‌خبری، همین اظهاراتی بود که در ابتدای این نوشتار خواندید؛ «اعتراضی بود، تمام شد»! در اینکه آشوب جماعتی از اراذل و اوباش و قاتلین مردم بی‌گناه(مزدوران دشمن) تمام شده و خود مردم بساط آن را با بصیرت جمع کردند که شکی نیست. اما مگر مسئله تنها آن بود و اگر فقط آن نبود، دقیقا چه چیز تمام شد!؟ بیکاری و رکود تمام شد؟ حقوق‌های معوق پرداخت شد!؟ کارخانه‌ها به راه افتاد و واردات متوقف شد!؟ اشتغال برای زنان و مردان بیکار درست شد!؟ مشکلات مردم و اسباب گلایه‌های بحق آنها که همه و همه سرجایشان هستند، پس رئیس‌جمهور محترم از تمام شدن چه چیزی می‌گوید!؟ این هم گویای بی‌اطلاعی از اوضاع بیرون از چهاردیواری دفتر کار است.

۶- اکنون که چنین است، چاره‌ای نیست جز اینکه مشکلات را به‌نحوی به گوش ایشان برسانیم. اما بازهم برخی معتقدند که بیان این حرف‌ها موجب تکدرخاطر رئیس‌جمهور محترم شده و لذا ممکن است با اتهاماتی همچون سیاه‌نمایی، تلاش برای ایجاد نا امیدی در مردم، تلاش برای ایجاد دوقطبی در جامعه و ... نواخته شویم و بعد از آنکه القابی همچون بی‌سواد، کاسب تحریم، بزدل و... دریافت کردیم، به جهنم حواله داده شده و البته با شکایات متعددی در دادگاه هم مواجه می‌شویم! این عده برای اثبات ادعای خود، به ده‌ها پرونده منتقدین در دادگاه اشاره می‌کنند که حتی باعث محکومیت سازنده فیلم تبلیغاتی شخص رئیس‌جمهور (منتقد بعدی) هم شده است! اما به نظر می‌رسد اینها هم تهمت‌هایی ناروا به رئیس‌جمهور باشد! چرا که ایشان همین چند روز قبل مصرانه از همه خواستند که ادب داشته باشند و با ادب با مردم سخن بگویند. بنابراین از چنین شخصی جز نزاکت و ادب برنمی‌آید و چنان سخنانی و بالاتر از آن، تهدید به داغ و درفش و شکایت و زندان و دادگاه از ساحت او به دور است!

۷- با این همه، حالا که آن احتمالات مطرح شده، منطق هم حکم می‌کند جانب احتیاط را از دست نداده، به جای همه آنچه باید به رئیس‌جمهور بگوییم و به جای جست‌وجو درباره علت مشکل و ارجاع مردم به روانشناس و جامعه‌شناس و نخود سیاه و... تنها حکایتی نقل کنیم. گفته‌اند کودکی در آغوش مردی ضجه می‌زد و صدای گریه‌اش به آسمان بلند بود. مرد به بچه عروسک داد، آرام نشد، آب‌نبات داد، فایده نکرد، تکانش داد، بدتر شد! نوازشش کرد، صدای‌گریه بلندتر شد! پیر دیری از راه رسید و با دیدن صحنه گفت: مشکل خود تویی ! بچه را زمین بگذار آرام می‌شود! مرد چنین کرد و فی‌الحال چنان شد!

حسین شمسیان

گزارش خبری تحلیلی کیهان

دو سال گذشت
برجام با اقتصاد ما چه کرد؟

سرویس سیاسی-

۲۶ دی ماه ۹۴، ظریف و موگرینی با قرائت بیانیه‌ای روز اجرای برجام و رفع تحریم‌هایی که سال‌ها به بهانه فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای علیه کشورمان وضع شده بود را اعلام کردند.

روز بعد-۲۷ دی ۹۴- روزنامه‌های زنجیره‌ای به صف شدند و با تیترهایی همچون «تحریم‌ها به تاریخ پیوست»،«فروپاشی تحریم»،«صبح بدون تحریم»،«تحریم‌ها هم رفت»،«توافقات سیاسی و اقتصادی با لغو تحریم ها»،«سد تحریم شکست»،«پیروزی تدبیر بر تحریم»،«اینک بدون تحریم»،«سلام بر ایران بی‌تحریم،خلاص شدیم»،«تحریم تمام شد»،«برچیده شدن ظرف تحریم‌ها»،«روز شکست حصر اقتصادی» و... با آب و تاب به بررسی نتایج این توافق پرداختند. برخی دولتمردان در کنار رسانه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاحات نیز در معرفی برجام از تعابیری همچون «فتح‌الفتوح»،«آفتاب تابان»،«معجزه قرن»،«بزرگ‌ترین دستاورد تاریخ ایران»،«نشانه تسلیم همه قدرت‌های بزرگ در برابر اراده ملت»،«ورق‌خوردن تاریخ به نفع ایران»،«پیروزی بزرگ‌تر از فتح خرمشهر»! و...استفاده کرده و با غرور و نخوت، آن را ثمره کاردانی و تدبیر خود دانستند.

وعده‌های اقتصادی

دولتمردان تمامی امور را به برجام گره زده و تاکید کردند که با امضا و اجرای برجام، تمامی مشکلات حتی مشکل آب خوردن مردم نیز رفع خواهد شد. به این موارد دقت کنید:

- تمام تحریم‌های بانکی، بیمه‌ای، مالی، حمل‌ونقل، پتروشیمی، فلزات سنگین و تحریم‌های اقتصادی به طور کامل لغو خواهد شد و نه تعلیق» (روحانی،تیرماه ۹۴)

- امروز تحریم‌ها، حتی تحریم‌هایی که مربوط به موضوع هسته‌ای نبوده برداشته شده و این مسئله نیز اعلام شده است.(روحانی،۱۶ اسفند ۹۴)

- تحریم‌های ظالمانه باید از بین برود تا سرمایه بیاید و مشکل محیط زیست، اشتغال، صنعت و آب خوردن مردم حل شود، منابع آبی زیاد شده و بانک‌ها احیا شوند (روحانی،خرداد ۹۴)

- سال ۹۴ با توافق هسته‌ای بذر اقتصاد ایران به ثمر می‌نشیند(علی طیب‌نیا، وزیر اقتصاد دولت یازدهم)

- با لغو تحریم‌ها یک‌ساله به شرایط پیش از تحریم‌ها بازمی‌گردیم. (مسعود نیلی، مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور)

-امسال(سال ۹۴) اقتصاد ایران بعد از توافق هسته‌ای شکوفا خواهد شد.(سیف، رئیس‌بانک مرکزی)

- منتظر هجوم سرمایه‌های خارجی بعد از توافق هسته‌ای باشید. (اکبر ترکان، رئیس‌مناطق آزاد دولت یازدهم)

-اکنون کشور از بیکاری رنج می‌برد، جوانان مشکل عدم استطاعت مالی برای ازدواج دارند و دولت وظیفه دارد این مشکلات را برطرف کند و امیدوارم با لغو تحریم‌ها این مشکلات برطرف شده و کارهای عمرانی نیز با سرعت بیشتری انجام شود.(علی یونسی، دستیار رئیس‌جمهور)

- باید تحریم‌ها برداشته شود تا پروژه‌های عمرانی را تکمیل کنیم. (نوبخت، معاون رئیس‌جمهور)

- بعد از توافق منتظر رشد اقتصادی، کاهش تورم و خروج از رکود باشید. (محمد نهاوندیان)

- اکنون که زنجیرهای تحریم از پای اقتصاد ایران گسسته شده و عزت و استقلال کشور نمایان گشته است، اکنون زمان ساختن و بالیدن است. (روحانی، دی ۹۴)

- ما در سال ۹۵ بهاری را آغاز می‌کنیم که در آن بانک‌ها و بیمه‌های ما تحریم نیستند و می‌توانیم با کشورهای مختلف تجارت داشته باشیم و سرمایه‌گذاری‌ها در کشور ما آغاز شده و قراردادهای بسیار مهمی در سطوح مختلف با کشورهای دنیا به امضا رسیده است.(روحانی،۲۶ اسفند ۹۴)

- تحریم‌های بانکی، مالی، پولی، نفتی، پتروشیمی، بیمه، حمل‌ونقل و همه تحریم‌های هسته‌ای برداشته شد و شرایط برای فعالیت اقتصادی مردم ما آماده‌تر شد. (روحانی،فروردین ۹۵)

- فقط سه ماه از اجرای برجام گذشته اما برخی فکر می‌کنند ۳۰ سال گذشته است. در این سه ماه ببینید چه گشایش‌های فراوانی ایجاد شده است؟ (روحانی، فروردین ۹۵)

- توافق هسته‌ای موجب خروج سریع کشور از رکود خواهد شد.(محمد علی نجفی،دبیر وقت ستاد هماهنگی اقتصادی دولت)

خسارت تأخیر روزانه!

در کنار این وعده و وعیدها، برای تحت فشار قرار دادن نهادهای تصمیم‌گیر و همچنین ایجاد نگرانی در افکار عمومی، هشدارهایی نیز داده می‌شد. برای مثال ادعا شد که هر روز تاخیر در رسیدن به توافق و اجرای آن خسارت‌های مالی بزرگی به کشور وارد می‌کند.به این نمونه‌ها توجه کنید:

- خسارت تاخیر اجرای برجام، روزانه ۴۰۰ میلیارد تومان

- هزینه اجرایی نشدن برجام در گفت‌وگو با ترکان: هر روز تاخیر،۱۰۰ میلیون دلار ضرر

- تاخیر در اجرای برجام برای اقتصاد مشکل‌ساز است(روحانی در همایش صنعت و تجارت)

- روایت (سیروس) ناصری از تأخیر ۲۲ روزه در اجرای برجام؛ ۲ هزار و ۵۰۰ میلیون دلار ضرر کردیم.

اسب زین شده و افسار پاره

روزنامه کیهان - ۱۵ فروردین ۹۴- چند ماه پیش از امضای برجام، در مطلبی با عنوان «برد- برد نتیجه داد هسته‌ای می‌رود تحریم‌ها می‌ماند!» نوشت: «با توجه به محتویات توافق، این نتیجه به دست می‌آید که آنچه طرف غربی در این مذاکرات به دست آورد، شفاف، قابل شمارش و الزام آور است و در مقابل آنچه ما به دست آوردیم مبهم و قابل تفسیر است».

در همان ایام - فروردین ۹۴- «حسین شریعتمداری» مدیر مسئول کیهان بااشاره به بیانیه مشترک قرائت شده در پایان مذاکرات ایران و ۱+۵ که از سوی محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه‌وفدریکاموگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، تاکید کرد: «در یک کلمه باید گفت که اسب زین شده را داده‌ایم و افسار پاره تحویل گرفته‌ایم».

منتقدان برجام از همان ابتدا و به دفعات و با دلایل کارشناسی اعلام کردند که برجام «اقدامات نقد ایران در مقابل وعده‌های نسیه طرف مقابل» است.منتقدان تاکید کردند که دولت ایران می‌بایست قبل از امضای توافق، قواعد بدیهی همچون «توازن تعهدات»، «همزمانی اجرای تعهدات»، «اخذ تضمین از طرف مقابل» و «پیش‌بینی برگشت‌پذیری امتیازات واگذار شده در صورت نقض عهد» را به جهت حفظ منافع ملی و عزت مردم کشورمان رعایت کند.

اما برخی مقامات ارشد دولت آقای روحانی و رسانه‌های به ظاهر حامی دولت با شانه خالی کردن از پاسخ کارشناسی به انتقادها، با فحاشی، منتقدان را به جهنم حواله دادند.

انکار وعده‌ها

همان‌طور که قابل پیش‌بینی بود، آمریکا در دولت باراک اوبامای مودب! و باهوش!-به تعبیر مقامات ارشد دولت آقای روحانی- در اولین روز اجرا-دی ماه ۹۴- برجام را نقض کرد. وزارت خزانه‌داری آمریکا با صدور بیانیه‌ای از افزودن نام شرکت‌ها و افراد جدید به فهرست تحریم‌های ایران به واسطه ارتباط با برنامه موشکی ایران خبر داد. پس از آن، سریال نقض برجام توسط دولت اوباما با غارت ۲ میلیارد دلاری اموال ایران، تمدید قانون تحریمی آیسا، تصویب قانون محدودیت ویزا، تصویب بیش از ۸۰ طرح ضدایرانی در کنگره آمریکا و پابرجا ماندن تحریم سوئیفت و...ادامه یافت.

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

موش!

گفت: تازه چه خبر؟!

گفتم: در بررسی‌های مجلس معلوم شده است که تعداد ۱۰۰مدیر دوتابعیتی و دارای «گرین‌کارت» هستند!

گفت: یکی از همین دوتابعیتی‌ها که در وزارت نفت بود، چند روز قبل ۱۰۰ میلیارد تومان اختلاس کرد و رفت کانادا.

گفتم: مگر دولت اعلام نکرده بود که مدیر دوتابعیتی نداریم؟!

گفت: باید یک سال دیگر صبر می‌کردند تا ۹۹ مدیر دوتابعیتی باقیمانده هم اختلاس کنند و فرار کنند تا با خیال راحت بگویند دیگر مدیر دوتابعیتی نداریم!

گفتم: چه عرض کنم؟! یک موش در دفترچه خاطراتش با تعجب نوشته بود؛ عجب آدم‌هایی هستند؟ از یک طرف طرح مبارزه با موش به تصویب می‌رسانند و از طرف دیگر، سمینار پنیر برگزار می‌کنند!

عضو هیئت تحقیق و تفحص از مسئولان دوتابعیتی:

۱۰۰ مدیر کشور دو تابعیتی و دارای گرین‌کارت هستند

عضو هیئت تحقیق و تفحص از مسئولان دو تابعیتی و دارای‌گرین کارت از تدوین گزارش تحقیق و تفحص هیئت متبوع خود خبر داد.

حسینعلی حاجی دلیگانی عضو هیئت تحقیق و تفحص از افراد دو تابعیتی و دارای‌گرین کارت در حوزه مدیران ارشد کشوری در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم از آماده شدن گزارش این هیئت خبر داد و گفت: این گزارش روز گذشته تقدیم کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شد.

وی با بیان اینکه به دنبال افزایش تهدیدها و بحث نفوذ ضرورت داشت درباره موضوع افراد دو تابعیتی و دارای‌گرین کارت در حوزه مدیران ارشد کشور تحقیق و تفحصی صورت گیرد، گفت: سال گذشته این تحقیق و تفحص در مجلس تصویب شد و گزارشی تدوین و به مجلس ارائه شد.

نماینده مردم شاهین شهر در مجلس با اعلام اینکه گزارش تدوین شده ۳۳ صفحه و دارای ۴۰ صفحه ضمایم و مستندات است، افزود: یک لیست ۱۰۰ نفره افرادی که اعم ازگرین کارت و و دو تابعیتی هستند در جریان تحقیق و تفحص به دست آمده که در گزارش اسامی آنها ذکر شده است.

حاجی دلیگانی با بیان اینکه از نظر خلأهای قانونی نیز هیئت به نتایجی دست یافت، اظهار داشت: به این نتیجه رسیدیم که در وزارت امور خارجه هیچ نظارتی برای شناسایی افراد دو تابعیتی وجود ندارد و اطلاعاتی درباره ورود و خروج افراد در وزارتخانه وجود ندارد.

وی با تأکید براینکه در سفرهای خارجی مسئولان نیز، وزارت امورخارجه گاه بی‌اطلاع است، گفت: وزارت کشور نیز در شناسایی افراد دو تابعیتی موفق نبوده و آن طور که باید و شاید به وظایفش عمل نکرده است البته فقدان یک بانک جامع اطلاعاتی را نیز در روند تحقیق و تفحص شاهد بودیم.

جدیدترین خسارت دو تابعیتی‌ها به کشور

برای درک بهتر این موضوع که چرا افراد دو تابعیتی نباید در نهادها و وزارتخانه به کار گرفته شوند به یکی از تازه‌ترین آسیب‌هایی که متاسفانه در جدی نگرفتن این اصل توسط مسئولان دولتی رخ داد اشاره می‌کنیم.

در هفته گذشته یکی از سایت‌های نفتی خبری را با عنوان کشف فساد مالی در وزارت نفت دولت آقای روحانی منتشر کرد و نوشت فرد اختلاس‌کننده‌گرین کارت کانادا داشت و از طریق ترکیه راهی این کشور شد.

پس از انتشار این خبر کسری نوری رئیس‌روابط عمومی وزارت نفت اظهار کرد: «مسئولان امورمالی مدیریت اکتشاف به تازگی در بررسی اسناد مالی خود با تخلف انجام شده توسط یکی از «کارمندان امور مالی» این مجموعه مواجه شدند که بلافاصله موضوع را به مراجع اطلاعاتی و قضایی گزارش دادند.»

این فرد یک کارمند ساده عنوان شده است که البته این سؤال وجود دارد که چگونه یک کارمند ساده توانسته این اختلاس را مرتکب شود؟ اگر حتی عنوان کارمند ساده را برای او بپذیریم باز این نکته مطرح است که وقتی کارمندی ساده می‌تواند با پشت گرمی‌گریت کارت کشوری دیگر چنین بیت‌المال را به یغما ببرد، پس باید نسبت به مدیران درجه حساسیت بسیار بالا باشد تا افراد دو تابعیتی به کار گرفته نشوند.

گفتنی است وزیر اطلاعات چندین بار اعلام کرده بود هیچ مدیر دو تابعیتی در کشور وجود ندارد و اگر هست نشان بدهید!

خبر ویژه

آسیا تایمز: جوانان ایران عمیقاً پشت جمهوری اسلامی ایستاده‌اند

روزنامه آسیاتایمز با اشاره به حمایت غرب از اغتشاشگران در ایران نوشت: غرب درباره نحوه واکنش حکومت ایران به اغتشاش حرف می‌زند اما اگر این اتفاقات در فرانسه یا آلمان رخ می‌داد، پلیس چگونه برخورد می‌کرد.

پیه اسکوبار نویسنده معروف برزیلی نوشت: گفت‌وگو با جوانان در سفر به شهرهایی مانند کاشان یا مشهد به من نشان داد که آنها چگونه عمیقاً در پشت جمهوری اسلامی ایستاده‌اند. آنچه در روزهای گذشته رخ داد این بود که اعتراض مشروع درباره مشکلات اقتصادی توسط اقلیتی که متهم به مخالفت با حکومت اسلامی بوده شد. تلاش‌هایی صورت گرفت تا این اعتراض مشروع اقتصادی به سمت براندازی حکومت تغییر جهت بدهد و نتیجه چنین کاری می‌توانست جنگ داخلی باشد.

خوب البته به این سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود. هرکس که با ایران و جامعه این کشور آشنا باشد می‌داند که سیستم این کشور بسیار مستحکم‌تر از آن است که در دام چنین تله خام و آشکاری بیفتد. دست خارجی در قضایای اخیر آشکار بود. استفاده از این عبارت که «کل جهان به تماشا نشسته است» برای این بود که در تهران درباره نحوه پاسخگویی ارعاب ایجاد کند.

در حالی درباره نحوه واکنش و سرکوب خشن صحبت می‌شود که باید پرسید چنانچه این اتفاقات در فرانسه یا آلمان روی می‌داد نحوه پاسخ پلیس این کشورها چگونه بود؟ تغییر حکومت اتفاقی بعید در ایران است و ماجرای اخیر، بیشتر بهانه‌ای برای اعمال دوباره تحریم‌ها علیه ایران است. بهانه‌ای که آمریکا امیدوار است اتحادیه اروپا نیز پشت آن بایستد.

ناصری: ناطق هم شاکی شده روحانی برای دولت وقت نمی‌گذارد

«ناطق نوری» از روحانی خواسته وقت بیشتری برای اداره کارهای دولت و رسیدگی به امور اجرایی بگذارد.»

عبدالله ناصری (عضو شورای سیاستگذاری اصلاح‌طلبان و مشاور خاتمی) در گفت‌وگو با روزنامه فرهیختگان خبر داد: روحانی در مقایسه با همه رؤسای جمهور پیشین بعد از انقلاب، وقت برای دولت نمی‌گذارد. می‌گویند او از ساعت ۹:۳۰ صبح تا ۱۹ سر کار است! این را تردید ندارم و یکی از اعتراضات و انتقاداتی است که دوستان روحانی به او دارند.

وی می‌افزاید: ناطق نوری در همین زمینه به روحانی اعتراض کرده و گفته؛ من که الان فقط یک حوزه علمیه در لواسان دارم از ساعت ۶:۳۰ صبح آنجا حاضر می‌شوم و شما باید کمی زودتر بروید و به سخن وزرایتان گوش کنید.

ناصری می‌گوید: رئیس‌جمهور حوزه‌های کلیدی کشور را شوخی گرفته است. او به دلیل روحیه‌اش مشورت‌پذیر نیست. روحانی ذهن پیچیده امنیتی دارد. وی همچنین با بیان اینکه «جهانگیری قصد خروج از دولت را داشت با توصیه خاتمی ماند»، گفت: روحانی قدرشناس جهاد جهانگیری در انتخابات نبود.

به گفته ناصری «دستگیری برادر جهانگیری حضورش را برای ۱۴۰۰ سخت کرد».

ناصری می‌گوید: روحانی در حوزه اقتصادی موفق عمل نکرد و حوزه اقتصادی دولت بسیار به هم ریخته است. نهاوندیان گزینه وزارت اقتصاد روحانی بود؛ لاریجانی پیام داد که رأی نمی‌آورد.

یادآور می‌شود تذکر ناطق نوری به روحانی درباره صرف وقت بیشتر برای اداره دولت، در حالی است که مرحوم هاشمی رفسنجانی نیز در آخرین جلسه یکی از کمیسیون‌های «مجمع تشخیص مصلحت نظام»، از شیوه مدیریت روحانی گلایه و انتقاد جدی کرده بود؛ به این دلیل که وقت کافی روزانه برای رسیدگی به مشکلات اقتصادی نمی‌گذارد و هم اینکه از موضع بالا برخورد کردند و ملاقات با او حتی برای من (هاشمی) هم آسان نیست.

ترمیم تیم و رویکرد اقتصادی مطالبه کارشناسان از دولت

کارشناسان بر لزوم تجدیدنظر در تیم اقتصادی کابینه و سیاست‌های اقتصادی آن تاکید دارند.

روزنامه جام‌جم در گزارشی خاطرنشان کرد: کارشناسان اقتصادی معتقدند برخی تصمیمات اقتصادی که اخیرا دولت اتخاذ کرده، بوی سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها می‌دهد که نقش برخی حامیان اقتصاد بازار و نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول در این تصمیم‌گیری‌ها پررنگ است.

اصرار به گران کردن حامل‌های انرژی بدون توجه به تاب‌آوری جامعه، از جمله این سیاست‌هاست که اتفاقا مورد حمایت صندوق بین‌المللی پول هم قرار گرفته است.

کارشناسان در گفت‌وگو با جام‌جم می‌گویند برخی افراد حاضر در تیم اقتصادی دولت که سه دهه است پیگیر اجرای سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها و تعدیل اقتصادی هستند، باید تغییر کنند.

دکتر میثم موسایی اقتصاددان در این باره تاکید کرد: یکی از راه‌حل‌های پیش روی کشور، تغییر در تیم اقتصادی و مشاوران رئیس‌جمهور است. وقتی یک سیاستمدار، کاری را پیشنهاد می‌دهد که قابلیت اجرا ندارد، نباید این تفکر در همه دولت نفوذ کند. اکنون اندیشه لیبرالی و نئوکلاسیک که به اقتصاد آزاد و آزادسازی قیمت‌ها معتقد است وجود دارد، در حالی که شرایط و زیرساخت آزادسازی قیمت‌ها فراهم نیست. برای جامعه‌ای که بخش خصوصی بسیار ضعیفی دارد و اکثریت مردم در آن سهمی ندارند، آزادسازی قیمت‌ها تبعات اجتماعی دارد.

افراد تیم اقتصادی دولت بدون آشنایی با بخش اجتماعی و فرهنگی می‌خواهند کارهای اقتصادی بزرگی را انجام دهند که از اکنون محکوم به شکست است. اقتصاددانی می‌تواند برای جامعه نسخه تجویز کند که همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه را بسنجد، اما تیم اقتصادی دولت با این محور اصلا آشنایی ندارند.

دکتر ابراهیم رزاقی نیز در انتقاد از ترویج سیاست‌های اقتصادی منسوخ معتقد است:

به نظر می‌رسد برای بهبود شرایط اقتصادی باید افرادی سر کار بیایند که سیاست اقتصاد مقاومتی را قبول دارند و اجرا کنند. این‌که ما هر روز از این سیاست تعریف و تمجید کنیم و سیستم اقتصاد آزاد را پیاده‌سازی کنیم، اقتصاد وضعیت مطلوبی پیدا نمی‌کند. در اقتصاد مقاومتی مردم گرداننده اقتصاد هستند و دولت‌ها باید تسهیلگر این موضوع باشند اما دولت اکنون اقتصاد را در نظر گرفته و با نگاه درآمدی بیشتر قصد دارد قیمت‌ها را بالا ببرد.

دکتر ساسان شاه‌ویسی کارشناس اقتصادی نیز می‌گوید: نتیجه آزادسازی قیمت‌ها، فاصله طبقاتی است. تیم اقتصادی دولت اکنون به سیستم اقتصاد آزاد معتقدند و تنها دلیل آن تحصیلات این افراد در کشورهای غربی است و تا زمانی که این تیم اصلاح نشوند اقتصاد ایران با این مشکلات روبه‌رو خواهد بود. آزادسازی قیمت‌ها در شرایطی که زیرساخت آن فراهم نیست و یک‌طرفه اجرا شود بی‌ثباتی اقتصادی، رشد نرخ تورم، نافرمانی اجتماعی و فاصله طبقاتی را به دنبال دارد.

در همین حال بیژن عبدی اقتصاددان می‌گوید: مسئولان دولت می‌گویند که قیمت ارز را باید عرضه و تقاضا تعیین کند اما غافل از آن‌که بازار ارز یک بازار کاملا انحصاری است و دستگاهی به نام قوه مجریه درآمد حاصل از نفت را در بازار با هر قیمتی که بخواهد تعیین می‌کند و هیچ‌کسی نمی‌تواند پایین‌تر یا بالاتر از آن را قیمت‌گذاری کند. در چنین شرایطی وقتی رقابت نباشد قیمت آزاد بی‌معنی است. اکنون همه تیم اقتصادی دولت به اقتصاد آزاد معتقدند و در این شرایط نباید انتظار حل مشکلات را داشت. این افراد از ابتدای ریاست جمهوری مرحوم آقای هاشمی‌رفسنجانی حضور داشتند و تعدادی از آنها کم شد و افراد دیگری جایگزین شدند. به نظر می‌رسد ترمیم تیم اقتصادی دولت و آمدن افرادی که به اقتصاد داخلی و ملی اعتقاد داشته باشند ضروری است.

نمک بر زخم مردم یعنی انکار مشکلاتی که خودتان به وجود آوردید

یکی از سران فتنه که نقش مهمی در القای خوش‌بینی به آمریکا و غرب و کشاندن دولت به ورطه ناکارآمدی و بی‌عملی داشت، اکنون از پذیرش مسئولیت عملکرد دولت شانه خالی می‌کند و نارضایتی مردم را به حاکمیت نسبت می‌دهد.

محمد خاتمی به بهانه حادثه کشتی سانچی و لزوم پیگیری قصور و تقصیرهای احتمالی نوشت: چنین انتظاری درمورد حوادثی که پیش از این رخ داد وجود دارد. در چندین شهر کشور تظاهراتی صورت گرفت، در فضایی که کمبودها و نارسایی‌ها در عرصه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و طبیعی فراوان است و انتظارهایی که نوعاً به حق است، ولی برآوردن آنها بخشی بیرون از قدرت مسئولان و بخش دیگر ناشی از ضعف‌های ساختاری و رفتاری و سیاست‌ها و رویکردهایی است که همه دستگاهها باید سهم خود را در قصور و تقصیر بپذیرند و بخصوص باید فضایی فراهم آید که مردم بتوانند خواستها و مطالبات خود را با امنیت و حتی بدون لکنت بر زبان آورند و دستگاههای مسئول را ملزم به پاسخگویی و اصلاح بینش‌ها و روش‌ها و نیز برنامه‌ریزی سنجیده برای حل مشکلات کنند و نهادها و دستگاههای مسئول نیز به‌جای تحقیر مردم و نمک پاشیدن بر زخم‌های آنان با هدف سیر به سوی همبستگی اجتماع